

واکاوی نقش تحریف‌های عاشورا در بحران معنویت شیعی در دوران معاصر

با تأکید بر مقتل «تذکرة الشهداء»

هدی سلیمی / دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران / hoda_sa98@yahoo.com
اصغر منتظرالقائم / استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران / montazer@ltr.ui.ac.ir
مصطفی پیرمردیان / استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران / m.pirmoradian@ltr.ui.ac.ir
تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴
(DOI): 10.22034/shistu.2022.529552.2044

چکیده

معنویت به عنوان نیاز فطری و مسئله مورد توجه بشر، یکی از کارکردهای شریعت است که به زندگی انسان معنا می‌بخشد، اما اگر این معنویت از منبع و مستند اصلی‌اش دور بیفتد، یافتن پیوندی استوار بین آن و دین دشوار خواهد بود. واقعه عاشورا تبلور یک الگوی راهبردی برای احیای ارزش‌های معنوی اسلام است اما با ظهور شبه‌معنویت‌ها، اشاعه فرهنگ تحریف و تقابل با عقلانیت در بسیاری مقاتل پس از قرن هشتم هجری، بالاخص در دوره قاجار؛ مقتل‌نگاری به یکی از عوامل بحران‌ساز در حوزه معنویت شیعی دوران معاصر مبدل شده است. تبدیل‌گفتمان عقلانی عاشورا به گفتمان اسطوره‌ای و احساسی، و رهیافت گزارش‌های غیر معتبر به مقتل‌نگاری‌ها که با فلسفه قیام کربلا متعارض می‌باشند، عزاداری سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام را از اهداف اساسی خود دور نموده است، و از رهگذر سازه‌هایی نظیر اتهام غیر عقلانی بودن به تشیع، معنویت شیعی را در نشیب بحران قرار داده است. بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی شده با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر پژوهش کتابخانه‌ای به این پرسش پاسخ داده شود که مقاتل معاصر، بالاخص مقتل تذکرة الشهداء نگاشته ملا حبیب‌الله کاشانی، چه تأثیری بر مقوله بحران معنویت شیعی در جهان معاصر داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قرائت تاریخی از عاشورا، دستخوش احساسات، داستان‌سرایی‌ها و اسطوره‌پردازی‌ها شده، و فرهنگ عاشورا به صورت غیرمردمی و غیرمعتدل؛ نمود یافته است. برآیند این امر، ناکارآمدی مؤلفه الگوسازی و الگودهی نهضت عاشورا و در نتیجه، اختلال در جریان پیشرفت گفتمان شیعی با محوریت ولایت، که از رهگذر قیام عاشورا صورت می‌پذیرد، شده است.

کلیدواژه‌ها: معنویت شیعی، تحریف‌ها، مقتل‌نگاری، عاشورا، «تذکرة الشهداء».

مقدمه

گستره تحریف‌های عاشورا می‌تواند با بحران معنویت شیعی در دوران معاصر مرتبط باشد. به عبارت دیگر به همان نسبت که نهضت عاشورا در بالندگی و گسترش معنویت شیعی نقش داشته است، رهیافت شبه‌معنویت‌ها از رهگذر تاریخ‌نگاری‌های عاشورا می‌تواند برای معنویت شیعی چالش‌برانگیز باشد. بر این اساس آسیب‌شناسی و بازنگری کلی در تاریخ‌نگاری‌های مرتبط با واقعه عاشورا ضروری تلقی شده و راه حل‌هایی از بحران فرهنگی شیعیان در عصر حاضر است.

بررسی پیشینه موضوع نشان می‌دهد تاکنون پژوهش مستقلی در خصوص تحریف‌های عاشورایی *تذکره الشهداء* و نقش آن در بحران معنویت شیعی انجام نشده است؛ اما در ذیل و فرع برخی پژوهش‌های گسترده‌ای که در زمینه تحریف‌های عاشورا انجام شده، به مثابه یکی از منابع تحریف‌گستر به شمار آمده و بر ضرورت ارزیابی مطالب و شناسایی ساختار و ضعف‌های آن تأکید گردیده است.

محمدی ری شهری (۱۳۸۸) در *دانشنامه امام حسین علیه السلام*، کتاب *تذکره الشهداء* را جزو آن دسته از مقاتلی دانسته که گزارش‌های معتبر در آن با مطالب غیر معتبر ممزوج شده و ارزیابی مطالب آن و شناسایی ساختار و ضعف‌های آن ضروری است. گستردگی حیظه اثر ری شهری موجب شده است در حد توصیفی به معرفی و نقد اجمالی آثار مقتل *الحسین علیه السلام* بسنده نماید.

رنجبر (۱۳۸۶) در تحقیق «سیری در مقتل‌نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا» به اجمال منابع عاشورایی از قبیل *تذکره الشهداء* را معرفی کرده و این اثر را از مهم‌ترین منابع تحریف‌گستر دانسته و ارزیابی متن و تفکیک مطالب ضعیف از آن را ضروری شمرده است. گستردگی حیظه اثر رنجبر سبب شده است ضمن معرفی و نقد کلی، به ذکر نمونه‌هایی از اخبار تحریف‌آمیز آن بسنده کند و اطلاعات کامل و جامعی ارائه ندهد.

آنچه می‌توان بیان کرد این است که تحقیقاتی که درباره تحریف‌های عاشورا صورت گرفته، عوامل بحران معنویت شیعی از منظر تحریف‌های عاشورا را با روشی که در این مقاله بیان شده، ذکر نکرده‌اند و به طور خاص کتاب *تذکرة الشهداء* را که به سبب اشاعه اخبار مجعول در تاریخ‌نگاری عاشورا و باور عمومی به یکی از عوامل بحران‌زا در حوزه معنویت شیعی در سده‌های اخیر مبدل شده، بررسی نکرده‌اند.

مفهوم‌شناسی معنویت شیعی

«معنویت»، تمایل افکار، احساسات و جسم انسان به سوی امری فرامادی است. به بیان دیگر، امری بسیط است که همه ابعاد وجودی انسان را تحت الشعاع قرار داده، به زندگی معنا می‌بخشد. (حمیدیه، ۱۳۹۶، ص ۹۹)

«بحران معنویت» به معنای رهیافت معنویت کاذب به معنویت حقیقی و کمرنگ شدن معنویت اصیل در زندگی انسان و تهدید جدی نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای معنوی بوده و به صورت تدریجی و به شیوه‌های گوناگون به وجود آمده است. (خسروپناه، ۱۳۹۲، ص ۱۷۰-۱۷۱) عنایت به مبانی فکری معنویت دینی آنها را کاملاً از شبه‌معنویت به مثابه رقبای بدلی خود تفکیک می‌کند. (میرزایی و دلیر صف‌آرای اخگر، ۱۳۹۷، ص ۹۳)

سرچشمه حقیقی معنویت اسلامی تشیع است که به ابقای رابطه هدایت الهی میان خدا و خلق از رهگذر استمرار و پیوستگی ولایت پرداخته و با جهت‌گیری همه‌جانبه، زمینه‌گذار انسان به سوی تعالی را فراهم نموده است. (طباطبائی، ۱۳۸۲، ص ۱۱) حقیقت اسلام با سرچشمه قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ و از رهگذر ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام قابلیت رشد دارد و در کالبد اکثریت جامعه نفوذپذیر است و پیام معنویت اسلام را در اذهان و قلوب جلوه‌گر می‌نماید. (طباطبائی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۹) همواره در ادوار گوناگون تاریخی مخالفان گفتمان تشیع کوشیده‌اند با انکار، سوء برداشت یا تحریف در دال مرکزی این گفتمان که همانا «ولایت»^۱ است، مسیر بالندگی معنویت شیعی را به ویژه از رهگذر فرهنگ عاشورا سد نمایند. بر این اساس یکی از راهکارهای برون‌رفت از بحران معنویت شیعی در عصر حاضر، نقد جدی مقتل‌نگاری‌ها در دوره معاصر است.

۱. هانری کربن و شماری از محققان، اصل تشیع را همین معنویت آن، یعنی «ولایت» دانسته‌اند.

پیش‌داوری‌ها و سوء فهم‌ها درباره معنویت شیعی

از رهگذر سوء فهم‌ها و انحرافات رهیافته در مقاتل، گفتمان تشیع از طریق شبه معنویاتی نظیر فرهنگ خرافه‌گرا^۱ و مقابل با عقلانیت^۲ به ترویج مبانی اعتقادی خود می‌پردازد. برخی از این پیش‌داوری‌ها نیز برابند مطالعات مستشرقان درباره تشیع است؛ زیرا از یک سو برخی پژوهش‌های شرق‌شناسان با صبغه تعصب و غرض‌ورزی صورت گرفته، و یا به مثابه عوامل استعمار، سعی در تحریف حقایق تاریخی داشته‌اند. از سوی دیگر، نداشتن اطلاعات دقیق از تاریخ تشیع و مبانی شیعه به علت کثرت منابع اهل سنت در مقایسه با آثار عالمان شیعی نزد شرق‌شناسان، و نیز خطر بیدارسازی ملل شرق در برابر سلطه دولت‌های غربی و استعمارگران به سبب گفتمان تشیع (بلاشر، ۱۳۷۶، ص ۲۰۹)، نمی‌تواند در پیش‌داوری‌ها و سوء برداشت‌های مستشرقان از گفتمان تشیع بی‌تأثیر باشد.

سیر تکوین شبه‌معنویت‌ها در مقتل‌نگاری کربلا

الف. پیدایش شبه‌معنویت‌ها از رهگذر اوضاع اجتماعی و فرهنگی

منشأ اصلی انحرافات و شبه‌معنویت‌ها یکی نادانی است و دیگری هواپرستی^۳. همچنین ناامنی اجتماعی رابطه‌ای مستقیم با تقویت و تداوم اندیشه‌های شبه‌معنوی در دین دارد؛ زیرا آشفته‌گی اوضاع سبب سست شدن پیوند واقعی عالمان با جامعه شده، موجب می‌گردد تا ایشان ناامید از هرگونه اصلاح اجتماعی، به عزلت روی آورند و تمایل به تفکرات

۱. گاهی باورها و اعتقادات، جنبه غیرعقلانی پیدا می‌کند. اینگونه باورها و اعتقادات «خرافات» نامیده می‌شوند. خرافات در هر جامعه‌ای براساس فرهنگ آن جامعه و ارزش‌ها، هنجارها و اعتقادات رایج در

آن، متغیر است. (ستوده فر و جدیدی و قلی زاده، ۱۳۹۷، ص ۱۴۰)

۲. برای آگاهی بیشتر از نقش و جایگاه عقل در فهم مبانی شریعت، نک. صدر، ۱۴۱۸ق.

۳. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «انما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تبذرع»؛ سرمنشأ همه فتنه‌ها پیروی از خواهش‌های نفس و احکامی است که برخلاف شرع صادر می‌گردد.

صوفیانه، حُزن، عقل‌گریزی، ترک علم‌آموزی و جمود علمی در این شرایط رونق یابد. (سمنانی، ۱۳۶۶، ص ۳۱)

بدین‌رو، فرهنگ تحریف و خرافه‌گرا در نگاه‌های دینی و تاریخی، به ویژه مقتل‌نگاری کربلا نمود یافته و به یکی از عوامل بحران‌ساز در حوزه معنویت شیعی در دوران معاصر تبدیل شده است.

با بررسی مقاتل اولیه درمی‌یابیم که عمده منابع تاریخ عاشورا تا قرن هفتم ق از اعتبار قابل توجهی برخوردارند و تحریف به میزان اندکی در این مقاتل راه یافته و مقتل‌نویسان تا حد زیادی به منابع اصلی پایبند بوده‌اند. (رنجبر، ۱۳۸۶، ص ۵۳-۹۰) اما همزمان با نابسامانی اوضاع اجتماعی در قرون هفتم و هشتم ق و تطوّر بنیان‌های حیات اجتماعی و انحطاط فکری و اخلاقی (ابن اثیر، ۱۳۵۵، ج ۲۶، ص ۱۶۴)، مقتل‌نگاری نیز همانند برخی دیگر از مکتوبات شیعه، از این شرایط تأثیر پذیرفت و دچار تنزل معنوی گردید. این امر سبب بسط مقولات سازوار با اندیشه‌های صوفیانه در جهان اسلام از قرن هفتم ق به بعد و تقریب دو گفتمان «تصوف» و «تشیع» به یکدیگر^۱ (سجادی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲) و پیدایش رویکردهای صوفیانه در مقتل‌نگاری کربلا گردید.

ب. پیدایش شبه‌معنویت‌ها از رهگذر اوضاع سیاسی

بخش عمده‌ای از علل بروز تطوّر صوری و محتوایی معنویت شیعی و دگردیسی مقتل‌نگاری‌های کربلا را باید در فضای سیاسی حاکم بر جامعه جست‌وجو نمود. در طول تاریخ، مورخان همواره از اوضاع سیاسی زیستگاه خویش متأثر بوده‌اند و تاریخ‌نگری آنان در به‌کارگیری روش تاریخ‌نگاری شان تأثیر بسزایی داشته است.

۱. تصوف از آغاز تا قرن ششم ق بر مبانی اعتقادی اهل سنت استوار بود، اما از قرن هفتم ق به بعد تا حدی تغییر مسیر داد و به گفتمان شیعی نزدیک شد. (دهباشی و میرباقری فرد، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵-۱۶۶)

با حمله مغول و سقوط خلافت عباسی (۶۵۶ق) و از رهگذر تسامح و دموکراسی دینی حکومت ایلخانی (جوزجانی، ۱۳۴۳، ج ۲، ص ۲۰۱)، زمینه پیروزی گفتمان تشیع در موازنه قدرت با گفتمان تسنن در ایران فراهم گردید و حکومت صفویه بر مبنای گفتمان شیعی استوار گشت.

به مرور زمان، شاهان صفوی با تمسک به اهرم سیادت، در صدد تحمیق عامه مردم از طریق رواج تحریف و خرافه‌گرایی برآمدند. (فوران، ۱۳۹۴، ص ۷۸ / منشی قزوینی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵) آنها با استفاده از جهل مردم، به رهیافت مقولات صوفیانه، نظیر تحجّر، عقل‌گریزی و خرافه‌گرایی در گفتمان شیعه مبادرت ورزیدند.

نفوذ باورهای خرافی میان شاه و نخبگان سیاسی و دینی سبب گسترش باورهای خرافی در سطح جامعه (شاردن، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۰۳۲) و برآیند مترتب بر آن، ممزوج شدن معنویت شیعی در باتلاق اعتقادات خرافی بود. بدین‌روی، می‌توان گفت: از سده دهم دوره اسفباری از لحاظ مقتل‌نویسی برای شیعیان آغاز گردید. مراسم روز عاشورا نیز به مثابه یکی از نمادهای معنویت شیعی با شبه‌معنویت‌های کاذب آمیخته شد (فیگوئروا، ۱۳۶۳، ص ۳۱۲-۳۱۳) و روضه‌خوانی به ابزاری برای کسب درآمد روضه‌خوانان مبدل گردید. (پولاک، ۱۳۶۱، ص ۲۳۴)

همچنین از رهگذر فضای سیاسی دوران پس از سقوط صفویه، روند دور شدن توده مردم از معنویت شیعی شتاب گرفت. علت شتابندگی این جریان را می‌توان در استبداد فکری و سیاسی بیشتر حاکمان، ضعف جانبداری از مبانی تشیع و انکار برخی شعائر شیعی، نظیر منع برگزاری عزاداری امام حسین علیه السلام (مروی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۹۸۱-۹۸۲)، حضور کمرنگ علمای شیعه در ساختار حکومت‌ها و انزوای سیاسی آنها در دوره افشاریه (اوتر، ۱۳۶۶، ص ۱۳۷-۱۳۸ / آرنوا و اشرفیان، ۱۳۵۶، ص ۱۳۴) و زندیه (آصف، ۱۳۴۸، ص ۳۰۹ / لکه‌هارت، ۱۳۵۷، ص ۲۳۲) دانست.

دوره قاجار نیز تفاوت محسوسی با ادوار قبل نداشت و مقاتل قاجاری هم مانند دیگر تاریخ‌نگاری‌های این مقطع تاریخی، از آمیختگی با شعر، بی‌توجهی نویسندگان به رابطه علمی

و معلولی رویدادها و تفسیر حوادث بر پایه تقدیرگرایی مصون نماندند. این موضوع سبب شده است تا از سبک تاریخ‌نگاری این دوران انتقاد شود. (آخوندزاده، بی‌تا، ص ۲۲۳ و ۲۴۲) همچنین عمومیت یافتن رسم تیغ‌زنی و قمه‌زنی به مثابه شاخصه‌های عزاداری در دوره قاجار از رهگذر وهن مذهب تشیع (فیودورکورف، ۱۳۷۲، ص ۲۴۲) و وانمود کردن انطفای بارقه عقلانیت و ملاطفت در عرصه معنویت شیعی، درخور بحث و بررسی است.

ج. «روضه الشهداء»؛ خاستگاه شبه معنویات شیعی

تأثیرپذیری مقتل‌نگاری شیعه از گفتمان تصوف موجب گردید مقاتل کربلا جلوه‌گاه آموزه‌های تصوف گردند. ورود شبه معنویت‌هایی نظیر اندیشه پست‌انگاری دنیا، ناچیز پنداشتن عقل و تکیه بر احساسات ذوقی به مقاتل، این منابع را به آثاری دراماتیک با هدف تحریک عواطف توده مردم در مجالس سوگواری تنزل داد و در این زمینه، مقتل‌نگاران با استفاده از سبک داستان‌پردازی و عناصر تخیل و غلو به تحریف منابع دست‌یازیدند.

مقتل روضه الشهداء (نک. طهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۹۴) یکی از این مقتل‌نگاری‌هاست که می‌توان آن را از عوامل اصلی ورود جعل و تحریف به مقاتل کربلا دانست. (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۸۲-۸۴) کاشفی (۸۴۰-۹۱۰ق) این اثر را در اواخر دوره تیموری و در شرایطی نگاشت که گرچه شیعه در بُعد جغرافیایی گسترش یافته بود، اما تساهل دینی حکومت ایلخانی (جوزجانی، ۱۳۴۳، ج ۲، ص ۲۰۱)، فرهنگ خرافه‌گرایی مغولان (ولادیمیر تسف، ۱۳۶۳، ص ۱۱۷-۱۱۸) و نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی، زمینه رشد شبه‌معنویت‌های کاذبی را در گفتمان شیعی فراهم آورده بود. او که تبحر خاصی در مخاطب‌شناسی داشت، پیام خویش را متناسب با علایق، نیازها و توانایی دریافت‌کنندگان ارسال می‌کرد که این امر موجب جلب و تداوم رضایت مخاطبان می‌گردید. کاشفی تا چند سده تأثیرگذار بود و مقتل‌نگاران بسیاری پس از وی برای خلق آثار خویش از روضه الشهداء الهام گرفتند و نوعی دگرگونی در مقتل‌نگاری، به ویژه در زمان صفویه و قاجار پدید آمد.

در قرن دوازدهم ق عالم برجسته شیعی، علامه وحید بهبهانی (۱۱۱۷-۱۲۰۵ق)، به عنوان شخصیتی تأثیرگذار، با تألیفات ارزشمند خویش تحولی شگرف در معنویت شیعه پدید آورد (دوانی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۳ و ۱۴۵) و ضمن مخالفت با جریان اخباری و عقل‌گریز، بار دیگر تفکر اصولی و عقل‌گرایی را وارد گفتمان تشیع کرد.

اما همچنان اندیشه‌های شبه‌معنوی رشد چشمگیری در میان عالمان شیعی، همچون شیخ احمد احسائی (۱۱۶۶-۱۲۴۲ق) داشت. احسائی یکی از پرنویس‌ترین عالمان زمان خود بود و شدوذات و مبهمات مطرح در اندیشه وی موجب پیدایش انحرافات در معنویت شیعی گردید. (سیدوکیلی، ۱۳۹۵، ص ۳۹)

با نفوذ شبه‌معنویت‌های کاذب در حیات سیاسی و اجتماعی ایران، فرهنگ خرافه‌گرا و مقابل با عقلانیت در مقاتل دوره قاجار، از جمله مقتل تذکرة الشهداء، نوشته کاشانی (۱۲۶۲-۱۳۴۰ق) جلوه‌گر شد. نویسنده متأثر از شرایط نابسامان اقتصادی - اجتماعی و با استفاده از عنصر تخیل و غلو، اثری نمایشی خلق کرد که با حقایق کربلا فاصله زیادی دارد. وی متأثر از شیخ احمد احسائی و اشعار وی بود.

در این میان، نقش کم‌نظیر میرزا حسین نوری (۱۲۵۴-۱۳۲۰ق)، نویسنده کتاب *لؤلؤ و مرجان*، در ستیز با رهیافت شبه‌معنویت‌ها در مقاتل معاصر را نمی‌توان نادیده انگاشت. وی به سبب روند شتابنده و رو به تزاید رهیافت شبه‌معنویت‌ها به مقاتل امام حسین علیه السلام حکم به عدم مسامحه علما در این زمینه داد و از آنها به سبب بی‌توجهی به عرصه روضه‌خوانی انتقاد کرد. (نوری، ۱۳۸۸، ص ۲۹) پس از نوری، شاگردان وی، از جمله شیخ عباس قمی (۱۲۹۴-۱۳۵۹ق) (نک. صحتی سردرودی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۷-۱۹۵) و بیش از همه، سیدمحسن امین عاملی (۱۲۸۴-۱۳۷۱ق) (نک. امین، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۷۲-۱۷۵)، بیشترین مساعی را برای پالودن مقاتل معاصر از شبه‌معنویت‌ها انجام دادند. در دوره اخیر نیز تلاش‌های شهید مرتضی مطهری از مؤثرترین اقدامات در این زمینه به شمار می‌آید. (نک. مطهری، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۸۴-۸۶)

د. رهیافت استعمار در گفتمان شیعه

اوضاع نامساعد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، موجبات نارضایتی را در جوامع اسلامی فراهم آورد. از سوی دیگر در چنین شرایطی زمینه برای رشد شبه معنویت‌ها در اعتقادات شیعی فراهم شد. از عوامل و زمینه‌های رواج شبه معنویت‌های شیعی می‌توان به تکاپوی استعمارگران برای استثمار ممالک شرقی و اسلامی اشاره کرد.

گفتمان سیاسی تشیع و واقعه عظیم کربلا به مثابه محوری‌ترین عنصر معنویت شیعی، رکن متقن مقاومت در برابر تجاوزات استعمارگران است؛ زیرا قابلیت بسط گفتمان شیعی با محوریت ولایت، از رهگذر قیام عاشورا صورت گرفت. عناصر نفوذی سفارتخانه‌های روس و انگلیس کوشیدند با ایجاد انحراف فکری و اعتقادی در معنویت شیعی و ساخت مذاهب ساختگی، تحریف، سوء فهم و پیش‌داوری در مبانی تشیع ایجاد کنند (نک. ویلز، ۱۳۶۸، ص ۱۹۸ و ۲۰۳ و ۲۰۵) و با نمایشنامه‌ای کردن قیام عاشورا (فریزر، ۱۳۶۴، ص ۲۴۱)، خطر بیداری ملت‌ها در برابر مطامع استعمار را خنثا کنند. در این رهاورد، آباء کلیسا به مثابه یکی از بازوهای دولت‌های استعمارگر اروپایی، با ارسال مبلغان مذهبی به ایران، معنویت اصیل شیعی را آماج حمله قرار دادند. (مفتون دنبل، ۱۳۵۱، ص ۱۴۷ / اردلی، ۱۳۴۱، ص ۱۴۵-۱۴۸)

مایکل برانت،^۱ یکی از معاونان سابق سازمان «سیا» و عضو بخش شیعه‌شناسی آن سازمان، در مصاحبه‌ای اقدامات این سازمان برای مبارزه با تشیع را برملا ساخت. (برانت، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲) برانت یکی از مؤثرترین عوامل انقلاب ایران را قیام عاشورا و عزاداری گسترده شیعیان در رثای امام حسین علیه السلام دانست. از نظر وی، این موضوع وجه تمایز شیعه از سایر مسلمانان و موجب عدم رکود و انفعال تشیع بوده است. وی به مجموعه اقدامات «سیا» برای تضعیف و نابودی گفتمان شیعه از رهگذر تحریف فلسفه قیام عاشورا و بدعت در شیوه‌های عزاداری برای امام حسین علیه السلام اشاره کرده است. (برانت، ۱۳۸۴، ص ۱۴۲)

1. Michael Brant.

بازتولید دوگانگی معنویت شیعی در «تذکرة الشهداء»

یکم. اهمیت کتاب

با توجه به رهیافت شبه‌معنویت‌های شیعی در مقتل *تذکرة الشهداء* و تباین برخی از مطالب آن با فرهنگ عاشورا و منابع تاریخ اسلام، نقد و بررسی این اثر و پیراستن آن از اشتباهات، سوء برداشت‌ها، تحریف‌ها و بدعت‌ها ضروری است.

کتاب *تذکرة الشهداء* یکی از نوشته‌های مهم در باب مقتلنگاری کربلا در دوران معاصر است که بارها تجدید چاپ و به زبان عربی نیز ترجمه شده است.^۱ گستردگی کتاب دربرگیرندگی بخش‌های گوناگون تاریخ عاشورا و شرح جزئیات آن نیز بر اهمیت این اثر می‌افزاید. کتاب کاشانی از سه منظر «ساختار»، «محتوا» و «منابع»، نیازمند نقد و بررسی است. گرچه این کتاب دارای نواقص ساختاری و اسنادی است، اما نقد جدی متوجه محتوای آن است. این پژوهش بر آن است به اختصار به بررسی و نقد محتوایی، سندی و ساختاری این اثر بپردازد.

دوم. معرفی نویسنده

نگارنده *تذکرة الشهداء*، ملا حبیب الله شریف کاشانی (۱۲۶۲-۱۳۴۰ ق) است. وی از فقها و مراجع دینی عصر خود بود و دارای ده‌ها عنوان کتاب در رشته‌های گوناگون علمی است. کار اصلی کاشانی پژوهش در فقه و علوم وابسته به آن بود، (کاشانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲) اما به سبب ارادت قلبی به امام حسین علیه السلام *تذکرة الشهداء* را در شرح حال شهیدان عاشورا برای مرثیه‌خوانان و توده مردم نگاشت. (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۵۳) در دانش کاشانی و ارزش علمی کتب فقهی ایشان تردیدی نیست، اما در *تذکرة الشهداء*، مطالب تحریف‌آمیز و روایات ضعیفی وجود دارد. یکی از عوامل این موضوع می‌تواند رویکرد تسامح‌گرایانه علما در نگارش کرامات و فضیلت‌های اهل بیت علیهم السلام باشد که سبب می‌شد در بررسی سند روایات مرتبط با مناقب و فضایل، دقت چندانی مبذول ندارند.

۱. این کتاب را سیدعلی جمال‌اشرف با عنوان *تذکرة الشهداء*، مقتل الامام الحسین علیه السلام به عربی برگردانده است.

سوم) بررسی شرایط نگارش کتاب

در وهله اول، کانون بازتولید دوگانگی اساسی معنویت شیعی در تذکرة الشهداء را می‌توان در حوزه سیاسی و اجتماعی دانست.

جامعه قاجاری یک جامعه فرسوده با تعصبات ملی و مذهبی شدید بود. افراد این جامعه سخت پایبند آداب و سنن و رسوم ملی و شعائر مذهبی خود و از روند نوگرایی غربی دور مانده بودند (پهنادایان، ۱۳۹۶، ص ۱۹۱). جامعه کاشان در دوره قاجار نیز با عقاید خرافی و متعصبانه پیوند تنگاتنگ داشت. کاشان در این مقطع از تاریخ، سوانح طبیعی مخربی را نیز تجربه کرد که در تضعیف نظام اقتصادی و معیشت مردم در دوران ناصری تأثیر گذاشت. (شعبانی‌مقدم و دهقان‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱-۱۲۲) شرایط نابسامان اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دوران قاجار سبب وزدگی جامعه از اصلاح و اقبال به مقولاتی نظیر حزن، عقل‌گریزی و جمود علمی گردید که بازتاب آن در مقتل تذکرة الشهداء مشهود است.

چهارم) سبک نگارش کتاب

عدم انسجام و روشمند نبودن، رویکرد داستان‌محور، توجه به مباحث ماورایی، بی‌دقتی در نقل روایات تاریخی و تکیه بر روایات نامعتبر، استفاده از برخی منابع ضعیف، نگاه تراژدی و نمایشی به واقعه عاشورا، آمیختن زبان شعر به نثر، نگارش مقتل مطابق سلیقه عوام، و تلاش برای ارائه مظلومیت بیشتر اهل‌بیت علیهم‌السلام از عوامل و انگیزه‌های رهیافت شبه‌معنویت‌ها در مقتل تذکرة الشهداء به شمار می‌آید.

پنجم) درونمایه کتاب

این اثر در سال ۱۳۸۹ ق در ۴۵۲ صفحه رحلی منتشر شد. چاپ حاضر در دو جلد تنظیم گردیده که منقولات آن از کتاب نورالعین^۱ حذف و اشعاری از نویسنده از کتاب گلزار اسرار به پایان آن افزوده شده است.

۱. نورُ العین فی مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ کتابی به زبان عربی منتسب به ابواسحاق اسفراینی (م ۴۱۷ یا ۴۱۸ ق) است که درباره مقتل امام حسین علیه‌السلام نگاشته شده است. انتساب این اثر به اسفراینی محل تردید است و بسیاری از محققان به ساختگی و غیرمستند بودن آن تصریح دارند.

هر جلد فصل‌های متعددی دارد و مشتمل است بر دوازده مجلس و یک خاتمه. مجلس اول تا سوم در کیفیت قبول شهادت امام حسین علیه السلام و برخی ویژگی‌های آن حضرت و ترغیب به عزاداری است. مجلس چهارم به بعد در خروج امام از مدینه به مکه و از آنجا به سوی کوفه و ورودش به کربلا و شهادت آن حضرت و اصحابش و اسارت خانواده‌اش است. (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴-۵)

ورود تفصیلی و همه‌جانبه کاشانی به وقایع قبل و بعد از عاشورا هرچند جای تقدیر و تحسین دارد، ولی به رغم گستردگی کتاب، نویسنده بر همه زمینه‌های مطرح شده، تسلط و آگاهی دقیق نداشته و همین تفصیل چه‌بسا سبب‌ساز رهیافت روایات غیر معتبر و مطالب ضعیف به این اثر شده است.

ششم) نقد و بررسی

۱. منابع کتاب

منابعی که کاشانی برای نگارش این اثر از آنها استفاده کرده به دو دسته «قابل استناد» و «غیر قابل استناد» قابل تقسیم است. غالب منابع وی مجهول و غیر مستند بوده و او در بسیاری موارد نیز برای کلام خویش منبعی ذکر نکرده است. بدین‌روی در این اثر، حجم قابل توجهی از شبه‌معنویت‌ها با معنویت شیعی ممزوج شده است.

بر این اساس، مطابقت متن *تذکرة الشهداء* با منابع اولیه و مشترکات تاریخی در کنار حفظ معیارهای نقد متون ضرورت دارد. چون پیشرفت گفتمان شیعی با محوریت ولایت از رهگذر قیام عاشورا صورت می‌پذیرد، در ارزیابی روایات، عنایت به شأن معصوم و سیره رفتاری امامت شیعی بایسته است.

در این مقال منابعی ذکر می‌شود که بیشترین حجم مطالب کتاب *تذکرة الشهداء* به روایات منقول از آنها اختصاص یافته است:

الف) یکی از کهن‌ترین مقاتل اثر ابومخنف لوط بن یحیی (۷۰-۱۵۸ق) است و بیشتر مورخان بعد از او به روایات وی استناد نموده‌اند. (نک. نجاشی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۲۰) احتمال می‌رود اصل کتاب ابومخنف تا قرن چهارم ق باقی بوده است؛ زیرا محمد بن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰ق) در تاریخ طبری آن را بی‌واسطه بازگو کرده است.^۱ اما از قرن ششم به بعد، برخی از اخبار جعلی به این مورخ نسبت داده شده که هیچ اثری از آنها در منابع معتبر که به نقل گزارش‌های ابومخنف پرداخته‌اند، وجود ندارد. مطالب مجعول تحت عنوان مقتل ابی‌مخنف، مستند کاشانی قرار گرفته و سبب رهیافت برخی شبه‌معنویت‌ها در مقتل تذکرة الشهداء شده است.

کاشانی آمار و ارقام غیرقابل پذیرشی را به نقل از ابی‌مخنف آورده است. برای مثال

می‌نویسد:

و به روایت ابی‌مخنف، برادر یزید بن الحصین که نامش «عمیر» بود، بعد از شهادت برادر، بر آن لشکر حمله آورد و غریب چهارصد نفر بکشت، پس کشته شد. (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۵۴)

طبق گفته کاشانی، نسخه‌های متعددی از کتاب ابی‌مخنف نزد وی موجود بوده که این امر در تضعیف اخبار منسوب به ابی‌مخنف نمی‌تواند بی‌اثر باشد.

در تذکرة الشهداء روایاتی در وصف چگونگی شهادت امام حسین علیه السلام به نقل از ابی‌مخنف آمده که روشن است از مقتل غیر مستند منسوب به ابی‌مخنف گرفته شده است: «به روایت ابی‌مخنف بر رو درافتاد و تا سه ساعت چنین افتاده بود و به گوشه چشم، نظرش

۱. محقق معاصر محمدهادی یوسفی غروی کتاب مفقود ابومخنف درباره واقعه کربلا را بر مبنای روایات طبری، با عنوان *وقعة الطف*، بازسازی و گردآوری نموده است. این اثر در ۱۳۶۷ خورشیدی در قم، همراه با مقدمه‌ای در معرفی ابومخنف و کتاب *مقتل الحسین* و همچنین فهرست‌های گوناگونی از شیوخ و راویان مؤلف با توضیحات و تعلیقات منتشر شد و ترجمه آن نیز از سوی محمد صادق روحانی در سال ۱۳۹۷ چاپ گردید.

به سوی آسمان بود» (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۳۵) و چون در چنین شرایطی لشکر عمر بن سعد از عملکرد امام علیه السلام دچار تحیر شده بودند، پس به خیمه‌ها حمله نمودند تا امام علیه السلام واکنشی نشان دهند. (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۳۷)

ب) *الأمالی*، نگاهشته شیخ صدوق (۳۰۵-۳۸۱ق)، کتابی به زبان عربی است با عنوان «مجالس» که مستند کاشانی قرار گرفته است.

بیشتر موضوعاتی که در این کتاب از آنها بحث شده جنبه اخلاقی، تاریخی و نقل فضایل ائمه معصوم علیهم السلام دارد. این کتاب به مقتل امام حسین علیه السلام نیز پرداخته است.

گرچه ویژگی بارز کتاب *الامالی* تکیه بر اسناد اولیه است، اما بیان اخبار غیبی در روایات مرتبط با مقتل الحسین علیه السلام توسط شیخ صدوق (صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۱۹۹ و ۲۰۳ و ۶۹۵)، می‌تواند در رویکرد ماورایی مقتل‌نگاران پس از وی اثرگذار باشد.

برای مثال، کاشانی چنین آورده است: خداوند متعال خبر شهادت امام حسین علیه السلام را پیش از وقوع واقعه عاشورا به پیامبران اولوالعزم^۱ داده بود و از این رهگذر، روایاتی را به استناد از شیخ صدوق نقل کرده که از لحاظ اشاعه فرهنگ مقابل با عقلانیت در مقتل‌نگاری و نیز تقلیل اهداف حماسه امام حسین علیه السلام به تباکی و تأثر قلبی، نیازمند نقد و بررسی است. (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۸۵-۸۶)

ج) *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، توسط شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ق) در شرح حال اهل‌بیت علیهم السلام نگاهشته شده و به سبب اهمیت و جایگاه ویژه‌اش در شرح زندگی امام حسین علیه السلام و واقعه عاشورا مطمح‌نظر مورخان پس از وی، همچون کاشانی قرار گرفته است.

جایگاه اخلاقی و علمی شیخ مفید (نک. ابن ندیم، ۱۹۸۸، ص ۲۲۶) در کنار استفاده وی از منابع کهن و همچنین گزارش‌های شفاهی و غیر مکتوب، ذکر دقیق حوادث به شیوه

۱. «أولوا العزم» به معنای صاحبان عزم به پنج تن از پیامبران صاحب شریعت (حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد علیهم السلام) گفته می‌شود.

مستند، و دوری از تعصب فرقه‌ای، سبب شده است کتاب الارشاد از کتاب‌های تاریخی مشابه ممتاز شود و همین موجب اعتباربخشی به برخی از روایات تذکرة الشهداء نیز می‌گردد که از این کتاب بهره گرفته است. با این حال این اثر از حیث عدم ارائه اسناد، قابل نقد است.

د) کاشانی در تذکرة الشهداء، بارها از کتابی به نام تذکرة الخواص من الائمة بذکر خصائص الائمة، تألیف سبط بن جوزی (۵۸۲-۶۵۴ق) یاد کرده و از آن مطالبی نقل نموده است.

کتاب مذکور در باب تاریخ زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام است و چون به تصریح سبط بن جوزی، وی اخبار کربلا را از هشام کلبی روایت کرده تا حدی اعتماد به این گزارش‌ها را افزایش می‌دهد، گرچه کاشانی روایاتی را نیز از تذکرة الخواص نقل نموده است که به سبب صبغه شبه‌معنوی، باید در آنها مذاقه بیشتری کرد. برای مثال، روایت ذیل که کاشانی از تذکرة الخواص نقل نموده یکی از مصادیق رهیافت انگاره‌های شبه‌معنوی در وقایع مرتبط با عاشورا است:

عمر خواست که اسب بر سینه امام علیه‌السلام بتازند. آن ملاعین اسبان بر سینه و پشتش تاختند. پس در پشت آن مظلوم نشانه‌های سیاه یافتند. سبب پرسیدند، شخصی گفت که: حسین علیه‌السلام در شب‌ها طعام بر دوش می‌کشید و به در خانه‌های فقرا و مساکین می‌برد. (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۶۲)

همچنین در تذکرة الشهداء به نقل از سبط بن جوزی به تفصیل، درباره کراهت ابن سعد از مقاتله با امام حسین علیه‌السلام سخن به میان آمده است. (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۶۸-۲۷۰ / ابن جوزی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۵۲) لازم به ذکر است که روایت سبط بن جوزی ضعف سندی و محتوایی دارد. جمله‌ای که وی به امام علیه‌السلام منسوب نموده: «من خادعنا فی الله انخدعنا له» (ابن جوزی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۵۲) با مقام شامخ امامت و ولایت سازگار نیست و با رویکرد شبه‌معنوی، اهلیت علیه‌السلام را به ضعف

رأی متّصف کرده است، و حال آنکه ایشان متخلّق به حسن رأی و عهده‌دار زعامت مسلمانان هستند و بر خلاف آنچه ابن جوزی آورده، هرگز در راه حق، اغفال نخواهند شد.

ه) *المزارُ الکبیر* کتابی به زبان عربی، تألیف محمد بن جعفر مشهدی (م ۱۰۶۱ق)، دربر دارنده اقسام زیارات است و در مشاهد مشرقه معصومان علیهم‌السلام قرائت می‌شود. چون خود ابن مشهدی در مقدمه کتاب *المزار* به استفاده از روایات راویان ثقه تصریح کرده (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۷)، بر این اساس بسیاری از مطالب این کتاب مورد استفاده کاشانی در نگارش *تذکرة الشهداء* قرار گرفته است.

کتاب *المزار* ابن مشهدی از سوی برخی عالمان بزرگ شیعی توثیق و تأیید شده است. (نک. امین، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۲۰۲ / طهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۳۲۴) مؤلف *تذکرة الشهداء* برای نقل روایاتی نظیر نام و نسب برخی از شهدای کربلا، اسامی قاتلان ایشان (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۷۸-۳۸۰)، ترتیب شهادت برخی شهیدان در روز عاشورا (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۷۲) و نیز شرح نحوه ورود اسرا به شام (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۶۳)، از *المزار* ابن مشهدی کمک گرفته است.

و) یکی دیگر از منابعی که مورد اعتماد کاشانی قرار گرفته، کتاب *الدرّ السلوک فی احوال الأنبیاء و الأوصیاء و الملوک*، تألیف احمد بن حسن حرّ عاملی (م ۱۱۲۰ق) برادر صاحب *وسائل الشیعه* (نک. امینی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۱، ص ۳۳۶) است. گرچه نگارنده *الدرّ السلوک* از منابع معتبری استفاده کرده (حرّ عاملی، ۱۳۸۷، ص ۳۶۵) اما اخباری در این اثر وجود دارد که نیازمند نقد و بررسی دقیق است.

برای مثال، کاشانی گزارشی را از *الدرّ السلوک* آورده که فحوای آن به طرح پیشنهادهای سازشکارانه از طرف امام علیه‌السلام به عمر بن سعد اشاره دارد. به سبب عدم پذیرش درخواست آن حضرت توسط ابن سعد، سی تن از صلحای کوفه در اقدامی اعتراض‌آمیز، به امام علیه‌السلام پیوستند. (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۰) آنچه

از منظر نویسنده الدرّ المسلوک مغفول مانده این است که گرچه روایت فوق الذکر توسط منابع متقدم، نظیر ابن سعد و طبری نقل شده، اما به سبب ضعف محتوایی و سندی قابل قبول نیست. طبری اذعان داشته است: کسی از فحوای محاوره امام حسین علیه السلام و عمر بن سعد مطلع نشد و آنچه راویان گزارش نموده‌اند صرفاً از روی گمان بوده است. (نک. طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۳۱۳) وی تصریح نموده که عقبه بن سمعان که از زمان حرکت از مدینه تا هنگام شهادت امام علیه السلام از آن حضرت جدا نشد، طرح پیشنهاداتی از سوی امام علیه السلام و درخواست بیعت با یزید را تکذیب نموده است. (نک. طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۳۱۳) کاشانی نیز چنین پیشنهادی را به سبب تعارض با مقام شامخ امام حسین علیه السلام منتفی دانسته است. (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۱-۳۲) بر این اساس گزارش‌های الدرّ المسلوک نیازمند نقد و بررسی دقیق است.

۲. بررسی ساختاری

گرچه این اثر بر پایه موضوعات مرتبط با تاریخ عاشورا تقسیم‌بندی شده، اما این دسته‌بندی کتاب را از کلی‌گویی و خلط مباحث حفظ نکرده است. برای مثال، با وجود اختصاص فصل چهارم کتاب به روایات مرتبط با شهادت آن حضرت و اصحابش و اسارت خانواده‌اش، مطالب در میان فصل‌های دیگر به صورت پراکنده تکرار شده است. این مشکل دامنگیر دیگر فصول کتاب نیز هست.

یکی دیگر از مشکلات ساختاری کتاب، درهم‌آمیختگی مباحث درون‌فصلی است، به‌گونه‌ای که گاهی با عنوان فصل نیز همخوانی ندارد. برای مثال، در مجلس هفتم کتاب بحثی با عنوان شهادت جمعی از یاران مطرح شده است. کاشانی بعد از بیان روایات مرتبط با مقتل حرّ بن یزید، مجدداً در جریان مقتل زهیر بن قین به طور آشفته و پراکنده به مقتل حرّ می‌پردازد. (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۰۶ و ۳۰۸)

۳. بررسی محتوایی

نارسایی‌های محتوایی در مفاهیم تاریخ عاشورا را که یکی از اساسی‌ترین محورهای گفتمان تشیع است، نمی‌توان نادیده انگاشت و به کاشانی خُرده نگرفت. بر این اساس تذکرة الشهداء از رهگذر رهیافت شبه‌معنویت‌ها به تاریخ عاشورا و نقش‌آفرینی در بحران معنویت شیعی نقد جدی می‌طلبد.

یک. رویکرد ماورایی و غیر تاریخی

رویکرد ماورایی کاشانی به واقعه عاشورا به بهای از دست رفتن نگرش منطقی و فقدان تحلیل و تعلیل لازم در کتاب وی تمام شده است. عاشورا از نظر او، نه یک حماسه عظیم انسان‌ساز، بلکه عهدی بود که بر امام علیه السلام از سوی خداوند متعال تحمیل شده بود: «او کِشنده بار شهادت کلیه شد برای شفاعت کلیه.» (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۹ و ۴۹)

رویکرد کاشانی به قیام عاشورا شهادت‌طلبانه است. تأثیرپذیری او از نگرش مقتل‌نگاران قبل از وی و بیش از همه رهیافت دیدگاه سید بن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ق) در الهوف را نمی‌توان نادیده انگاشت. به زعم ابن طاووس، شهادت در قیام عاشورا می‌تواند به تنهایی یک هدف به شمار آید. (سید بن طاووس، ۱۴۱۷ق، ص ۶) رویکرد شهادت‌طلبانه گرچه موجب جذابیت ظاهری اثر و جلب مخاطبان عوام شده، اما نمی‌تواند ضعف‌های حاصل از نگرش غیر مستدل در کتاب را پوشش دهد.

نقش خوارزمی (۴۸۴-۵۶۷ق) و مقتل تأثیرگذار وی در اشاعه رویکرد ماورایی و قرائت قدسی از واقعه عاشورا و رهیافت شبه‌معنویت‌ها در مقتل‌نگاری‌های متأخر از جمله تذکرة الشهداء را نمی‌توان نادیده انگاشت. خوارزمی در مقتل‌نگاری، متأثر از ابن اعثم (م ۳۱۴ق) و نگرش وی در الفتوح بوده و از این رهگذر، مقتل خوارزمی با محوریت داستان‌پردازی، تفصیل جزئیات، روایات غیر واقعی و مبتنی بر خواب، مکاشفه و پیشگویی، در مقاتل پس از خود اثرگذار بوده است. (نک. خوارزمی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۵-۵۲ / ابن‌اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۳۲۳)

برای مثال، کاشانی به نقل از مقتل خوارزمی در ذیل خیر شهادت وهب بن وهب، جوان نصرانی که به همراه مادرش توسط امام حسین علیه السلام به دین اسلام مشرف شده بودند، آورده است: مادر این جوان که پیرزنی بیمار و رنجور بود، دو تن از مردان لشکر عمر بن سعد را به قتل رسانید و صرفاً به واسطه درخواست امام علیه السلام از وی از محاربه دست کشید. (خوارزمی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۶) البته کاشانی با تغییر در خبر، آمار کشته‌شدگان را افزایش داده است. (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۳۶)

همچنین خوارزمی در جای دیگر، ماجرای شهادت وهب را عیناً برای یکی دیگر از یاران امام علیه السلام تکرار نموده است. (خوارزمی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۵-۲۶)

دو. تبلور معنویت‌های غیر واقعی و کاذب «تذکرة الشهداء»

رویکرد صوفیانه نویسنده، همچنین رهیافت روایات سست و ناهمگون در مقتل تذکرة الشهداء، موجب انتساب برخی شبه‌معنویت‌های موهن به شخصیت بزرگوار امام حسین علیه السلام شده است.

برای مثال، نویسنده روایت بدون سندی را نقل نموده که با اهداف والای امام حسین علیه السلام از قیام کربلا و تسلیم‌ناپذیری ایشان در برابر ظلم و خودکامگی اموی سازگار نیست و با نقل به معنای سخن آن حضرت می‌نویسد:

و اگر از قناعتش سؤال کنی، همین بس که فرمود: دست از من بدارید تا به ثغری از ثغور روم و در صحرايي منزل کنم و ملک و مال به شما واگذارم، و بوده باشم مانند یکی از مردم. (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۵)

همچنین نقل روایاتی در تذکرة الشهداء مبنی بر گریستن امام علیه السلام از فرط تشنگی (همان، ص ۲۷۴) یا بی‌تابی ایشان در فراق یاران و فرزندان و بیم از تنها ماندن در برابر دشمن (همان، ص ۵۳۱-۵۳۲) سبب می‌شود شخصیت والای امام حسین علیه السلام ضعیف به نظر برسد.

روایتی در تذکرة الشهداء به نقل از ابی مخنف آمده که بر خورد امام حسین علیه السلام با حرّ بن یزید ریاحی را شرح داده است. گرچه اصل این خبر در مقتل ابی مخنف آمده (ابی مخنف، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸)، ولی کاشانی تغییراتی در آن داده که موجب شده است امام علیه السلام شخصیتی خشن و جنگ طلب معرفی گردد. (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۴۱)

در جایی از کتاب، به علم حضوری (لدنی) که شرط تصدّی مقام امامت است (نک. مجلسی، بی تا، ج ۲۶، ص ۱۳۷) بی توجهی شده و امام سجاد علیه السلام نسبت به اموری نظیر تداوم سلسله امامت از طریق ایشان، ناآگاه معرفی شده است. (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۸)

همچنین کاشانی با نقل روایتی زمینه‌ساز بروز خرافه‌گرایی و شبه‌معنویت به ساحت گرامی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شده است:

و بعضی گفته‌اند که در آن حال که یزید آن سر را در قبه، مقابل مجلس شربش گذاشت، پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن سر را برد. پس هر قدر از آن تفحص کردند، نشانی از آن نیافتند. (همان، ص ۵۰۶)

رویکرد ماورایی مؤلف تذکرة الشهداء سبب شده است وی در توصیف چگونگی حفظ پیکر شهدای کربلا، سبب‌ساز رهیافت نوعی شبه‌معنویت کاذب در مقتل‌نگاری گردد. وی با تشبیه امام علی علیه السلام به شیر، ایشان را عامل حفظ اجساد شهدای کربلا می‌داند و از این رهگذر، ناآگاهانه مقام امام معصوم علیه السلام را در حدّ یک حیوان تنزل می‌دهد. (همان، ص ۲۶۸)

همچنین کاشانی به حدّی بر تشنگی امام حسین علیه السلام تأکید دارد که راه گزافه‌گویی پیموده و با نادیده انگاشتن شأن امامت و فضایل اخلاقی امام علیه السلام، اخباری را مبنی بر عجز و التماس ایشان به دشمن برای به دست آوردن اندکی آب نقل نموده است. (همان، ص ۱۵۱)

این اخبار سبب ورود شبه‌معنویاتی به مقتل تذکرة الشهداء شده و از این رهگذر، ابیاتی منقول از حلقوم بریده امام حسین علیه السلام در این اثر آمده است: «شیعی! ما إن شربتم ماء عذب فادکرونی.» (همان، ج ۱، ص ۱۱۵)

از سوی دیگر، کاشانی روایتی آورده است مبنی بر اینکه امام علیه السلام برای رفع عطش، نیازی به طلب و نوشیدن آب نداشتند و فقط برای اتمام حجت بر دشمن، در طلب آب برآمدند. (همان، ج ۲، ص ۱۰۷) نویسنده با گرافه‌گویی در این مقوله (همان، ج ۱، ص ۵۸)، سبب رهیافت دوگانگی معنوی به گفتمان تشیع گردیده است. چنین روایاتی نه تنها با درخواست‌های مکرر آب توسط امام علیه السلام قابل جمع نیست، بلکه سبب وانمودن امام حسین علیه السلام به یک شخصیت غیرمعمول و حرکت ایشان به امری صرفاً قدسی و غیر عرفی شده است.

همچنین در ادامه مطلب آمده است: امام علیه السلام به خبری که از کذب آن مطمئن بودند واکنش نشان دادند از بیم آنکه مورد اتهام دشمن قرار گیرند: «چه اگر در آن حال [که] این سخن شنید، آب می‌نوشید و به سوی خیمه‌ها نمی‌آمد، جاهلان امام‌شناس می‌گفتند که حسین غیرت ندارد...» (همان، ج ۲، ص ۱۰۷)

از دیگر روایات مجعول که سبب تبلور شبه‌معنویت‌های کاذب در تذکرة الشهداء شده است می‌توان به آن دسته از اخباری اشاره نمود که از رهگذر رویکرد احساسی به مقتل‌نگاری وارد آن شده است. برای مثال، در این مقتل آمده است: طفل شیرخوار امام حسین علیه السلام هنگامی که صدای یاری خواستن امام خویش را شنید، بند قنناق پاره نموده، خود را از گهواره به زمین انداخت. (همان، ج ۲، ص ۶۴) روشن است که از نظر عقلانی این مطلب پذیرفتنی نیست.

در این رهاورد، معنویت‌های غیر واقعی و کاذب گریبانگیر حیوانات نیز شده است. روایاتی نظیر امتناع نمودن اسب از حرکت به هنگام ورود به سرزمین کربلا (همان، ج ۱، ص ۲۴۳)، شرط نهادن اسب برای امام علیه السلام که در قیامت نیز بر او سوار شود و امت گناهکار را شفاعت کند (همان، ج ۲، ص ۸۳) و رویکرد غیر عرفی و نتیجه‌گیری غیر منطقی از روایات مجعول مرتبط با سرنوشت اسب، سبب سیطره شبه‌معنویت‌های موهوم در مقتل‌نگاری شده است. (همان، ج ۲، ص ۱۹۰)

سه. رهیافت اندیشه‌های صوفیانه در «تذکرة الشهداء»

استفاده مکرر از اصطلاحات و مفاهیم صوفیانه در تذکرة الشهداء از قبیل ابتلا و امتحان، بار امانت، بقا، بلا، پرده، تجلی، گریه، صبر، ذکر کرامات برای اولیا، جبروت، جلوه، حجاب، حیرت، رضا، عشق و وصال، شهود، خواب و مکاشفه، پیشگویی، هیبت و بسیاری موارد دیگر (نک. رضایی تهرانی، ۱۳۹۲، ص ۷۲۶-۷۸۳) بیانگر تأثیرگذاری گفتمان تصوف و رهیافت مقولات صوفیانه برای مقتل است.

کاشانی از رهگذر مفاهیم عاطفی و صوفیانه، مطالبی را در تذکرة الشهداء ذکر نموده است. برای مثال، ثمربخش‌ترین برآیند حادثه کربلا را گریستن بر شهدا دانسته که موجب آمرزش تمام گناهان و ورود به بهشت است (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۶)، حتی اگر هیچ حسنه‌ای در صحیفه اعمال فرد ثبت نشده باشد. (همان، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۳۳) این امر می‌تواند به نوعی ترویج اباحی‌گری در جامعه باشد. در این رهاورد، عملکرد امام علیه السلام در عاشورا به واسطه تحمیل بار امانتی بوده که در عالم «ذر» بر عهده ایشان نهاده شده است. (همان، ج ۱، ص ۳۷ و ۴۹ / نیز نک. گنابادی، ۱۳۴۴، ج ۳، ص ۲۵۸)

همچنین قایل شدن به مفهوم صوفیانه «هیبت»، که در اثر معرفت به خداوند بر سالک ظاهر می‌گردد (عطّار، ۱۳۴۶، ص ۵۳۸)، موجب شده است تا کاشانی بر این باور باشد که هیبت امام حسین علیه السلام سبب شد ایشان در هر حمله بیش از ده هزار تن را به هلاکت برساند! (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۲۳) و همین هیبت را موجب آن دانسته که دشمن جرئت کشتن امام علیه السلام را نداشته باشد. (همان، ج ۱، ص ۱۴۲)

از رهگذر نگرش صوفیانه کاشانی، آنچه موجب شهادت امام حسین علیه السلام گردیده ندای هاتف غیب بوده است که دعوت‌کننده به سوی حقیقت است و در دل سالک تجلی می‌کند. (نک. نسفی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۹) در این رویکرد، امام علیه السلام جنگ را رها نمود و تسلیم مرگ شد. (شریف کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۲۰)

نتیجه‌گیری

بررسی مقتل‌نگاری‌های معاصر از لحاظ رهیافت‌های انگاره‌های شبه‌معنوی در وقایع مرتبط با عاشورا قابل توجه است؛ زیرا شبه‌معنویت‌هایی که از رهگذر مقاتل کربلا به ذهن طالبان حقیقت متبادر شده، سبب فهم سقیم میراث معنوی شیعه گردیده و به پیش‌داوری‌ها و کژبرداشت‌هایی درباره تشیع منجر شده است. در این میان مقتل *تذکره الشهداء* به سبب اشاعه فرهنگ تحریف و مقابل با عقلانیت، به مثابه یکی از عوامل بحران‌ساز در حوزه معنویت شیعی دوران معاصر، بررسی شد.

خاستگاه اساسی بازتولید دوگانگی معنویت شیعی در مقتل‌نگاری را باید در اوضاع نامساعد سیاسی و اجتماعی و نارضایتی مترتب بر آن در جامعه عصر قاجار جست‌وجو کرد. در چنین شرایطی تکاپوی استعمارگران برای استثمار ممالک شرقی و اسلامی، از جمله ایران، روند دور شدن توده مردم از معنویت شیعی را تسریع نمود. بدین‌روی، آسیب‌شناسی و بازنگری کلی در تاریخ‌نگاری‌های مرتبط با واقعه عاشورا امری ضروری است و راه حل‌هایی از بحران فرهنگی شیعیان در عصر حاضر به شمار می‌آید.

مقاله حاضر به تفکیک دوگانگی‌های معنویت شیعی از مقتل *تذکره الشهداء* پرداخت که در سده اخیر به مثابه منبع و مرجع مقتل اهل منبر شناخته شده و از حیث تأثیرگذاری بر مجالس مذهبی و اذهان عامه مردم قابل توجه است. فقدان انسجام و روشمند نبودن نگاهی‌های تاریخی، رویکرد داستان‌محور، توجه به مباحث ماورایی، بی‌دقتی در نقل روایات تاریخی و تکیه بر روایات نامعتبر، استفاده از برخی منابع ضعیف، نگاه غمناک و داستانی به واقعه عاشورا، آمیختن زبان شعر به نثر، و نگارش مقتل مطابق سلیقه عوام موجب شده است این اثر در پس معنویت شیعی به اشاعه باورها و سوء برداشت، تحریف، جعل و گزارش‌های نادرست بپردازد.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۵۵)، **الکامل: تاریخ بزرگ اسلام**، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، علمی.
۲. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، **المزار الکبیر**، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، بوستان کتاب.
۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۹۸۸)، **الفهرست**، بیروت، دارالمسیره.
۴. ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد (۱۴۱۱ق)، **الفتوح**، بیروت، دارالاضواء.
۵. ابومخنف، لوط بن یحیی (۱۳۸۰)، **مقتل ابی مخنف؛ نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا**، چ دوم، تحقیق محمد هادی یوسفی غروی، ترجمه جواد سلیمانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۶. اردلی، ورا (۱۳۴۱)، **هنری مارتین**، ترجمه سهیل آذری، تهران، نورجهان.
۷. امین، سید محسن (۱۳۷۱)، **عزاداری‌های نامشروع**، ترجمه جلال آل احمد، به کوشش قاسم یاحسینی، بوشهر، نشر شروه.
۸. امین، سید محسن (۱۴۰۳ق)، **اعیان الشیعه**، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۹. امینی، عبدالحسین (۱۳۹۷ق)، **الغدیر**، بیروت، دارالکتاب العربی.
۱۰. اوتر، ژان (۱۳۶۳)، **سفرنامه ژان اوتر**، ترجمه علی اقبالی، تهران، جاویدان.
۱۱. آخوندزاده، میرزا فتحعلی خان (بی‌تا)، **مکتوبات کمال الدوله**، بی‌جا، بی‌نا.
۱۲. آرنوا، م.ر و اشرفیان، ک.ز (۱۳۵۶)، **دولت نادرشاه افشار**، ترجمه حمید امین، تهران، شبگیر.
۱۳. آصف، محمدهاشم (۱۳۴۸)، **رستم الحکما (رستم التواریخ)**، تصحیح و تحشیه مشیری، تهران، تابان.
۱۴. برانت، مایکل (۱۳۸۴)، «توطئه بر ضد مرجعیت شیعه و آثار گرانهای تشیع»، **کلام اسلامی**، ش ۵۴.
۱۵. بلاشر، رژی (۱۳۷۶)، **در آستانه قرآن**، ترجمه محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۶. پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی.
۱۷. پهنادایان، شاهین (۱۳۹۶)، «مروری بر ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران عصر قاجار»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ش ۳۸.
۱۸. تسف، ولادیمیر (۱۳۶۳)، چنگیزخان، ترجمه شیرین بیانی، تهران، اساطیر.
۱۹. جوزجانی، قاضی منہاج الدین عثمان ابن سراج الدین (۱۳۴۳)، طبقات ناصری، تصحیح عبدالحی حبیبی، کابل، انجمن تاریخ افغانستان.
۲۰. حرعاملی، احمد بن حسن (۱۳۸۷)، الدر المسلوک فی احوال الانبیاء و الاوصیاء و الخلفاء و الملوک، تحقیق و تصحیح مهدی قربانی و مریم پروازی، مشهد، قاف مشهدالرضا علیه السلام.
۲۱. حمیدیه، بهزاد (۱۳۹۶)، «نسبت مفهومی معنویت و دین»، پژوهشنامه ادیان، ش ۲۲.
۲۲. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۲)، انسان‌شناسی اسلامی، قم، نشر معارف.
۲۳. خوارزمی، ابوالمؤید موفق بن احمد (۱۴۱۸ق)، مقتل الحسین علیه السلام، تحقیق محمد سماوی، قم، دارانوار الهدی.
۲۴. دهباشی، مهدی و میرباقری فرد، علی اصغر (۱۳۸۴)، تاریخ تصوف، تهران، سمت.
۲۵. رضایی تهرانی، علی (۱۳۹۲)، سیر و سلوک (طرحی نو در عرفان عملی شیعی)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۶. رنجبر، محسن (۱۳۸۶)، «سیری در مقتل‌نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر»، تاریخ در آیینه پژوهش، ش ۱۵.
۲۷. ستوده‌فر، مهدی و جدیدی، ناصر و قلی‌زاده، آذر (۱۳۹۷)، «تحلیلی جامعه‌شناختی بر خرافه‌گرایی دینی در عصر مرشد شاهان صفوی»، جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۷۱.
۲۸. سجادی، ضیاء الدین (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، تهران، سمت.
۲۹. سمنانی، علاء الدوله (۱۳۶۶)، چهل مجلس، مقدمه، تصحیح و تعلیقات نجیب مایل هروی، تهران، ادیب.

۳۰. سید بن طاووس، رضی‌الدین ابوالقاسم علی بن موسی (۱۴۱۷ق)، *اللهوف فی قتلی الطفوف*، قم، انوار الهدی.
۳۱. سیدوکیلی، سیدهادی (۱۳۹۵)، «بازشناسی تأثیر پذیری شیخ احمد احسایی از مکاتب فکری»، مجله پژوهش‌های اعتقادی - کلامی، ش ۲۳.
۳۲. شاردن، ژان (۱۳۷۵)، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس.
۳۳. شریف کاشانی، ملّا حبیب‌الله (۱۳۹۰)، *تذکرة الشهداء*، با همکاری عباس محمدقلیان، تهران، شمس الضحی.
۳۴. شعبانی‌مقدم، عادل و دهقان‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۳)، «سوانح طبیعی؛ نگاهی به پیامدهای اقتصادی خشکسالی، زلزله و سیل در عصر ناصری»، *پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۱.
۳۵. صحتی سردودی، محمد (۱۳۹۰)، «سهم شیخ عباس قمی در تحریف‌شناسی تاریخ عاشورا»، *میثاق امین*، ش ۱۸ و ۱۹.
۳۶. صدر، سید محمدباقر، ۱۴۱۸ق، *دروس فی علم الاصول*، قم، جامعه مدرسین.
۳۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۴۱۷ق)، *الامالی*، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه، تهران، مؤسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر.
۳۸. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۸۲)، *شیعه؛ مذاکرات و مکاتبات*، پرفسور هانری کربن و علامه طباطبائی، تهران، بوستان کتاب.
۳۹. طهرانی، آقا بزرگ (۱۴۰۸ق)، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، تهران، اسماعیلیان.
۴۰. عادل‌فر، باقرعلی (۱۳۹۴)، «واکنش علمای شیعه به فعالیت‌های مذهبی مبلغان مسیحی اروپایی در اوایل دوره قاجاریه»، *پژوهش‌های علم و دین*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲.
۴۱. عطار، فریدالدین (۱۳۴۶)، *تذکرة الاولیاء*، تصحیح محمد استعلامی، تهران، زوآر.
۴۲. فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، *سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، توس.

۴۳. فوران، ج. (۱۳۹۴)، مقاومت شکننده؛ تاریخ اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا.
۴۴. فیگوئرا، د. (۱۳۶۳)، سفرنامه دن گارسیا، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، نشر نو.
۴۵. فیودورکوف، بارون (۱۳۷۲) سفرنامه بارون فیودورکوف، ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران، فکر روز.
۴۶. کاشانی، حبیب‌الله (۱۳۹۰)، احسن التراتیب فی نظم درر المکاتیب، قم، خویی.
۴۷. گنابادی، سلطان محمد (۱۳۴۴)، بیان السعادة فی مقامات العباد، تهران، دانشگاه تهران.
۴۸. لکهارت، لارنس (۱۳۵۷)، نادرشاه، ترجمه مشفق همدانی، چ دوم، تهران، امیرکبیر.
۴۹. مجلسی، محمد باقر (بی تا)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵۰. مروی، محمدکاظم (۱۳۶۹)، عالم آرای نادری، به کوشش محمدامین ریاحی، تهران، نشر علم.
۵۱. مطهری، مرتضی (۱۳۶۵)، حماسه حسینی، ج ۳، تهران، صدرا.
۵۲. _____ (۱۳۷۳)، حماسه حسینی، ج ۱، تهران، صدرا.
۵۳. مفتون دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۵۱)، مآثر سلطانیه، به اهتمام غلامحسین صدری افشار، تهران، ابن سینا.
۵۴. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق و تصحیح، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، کنگره شیخ مفید.
۵۵. منشی قزوینی، بوداق (۱۳۷۸)، جواهر الاخبار، تهران، میراث مکتوب.
۵۶. میرزایی، رضا و دلیر صف‌آرای اخگر، سمیه (۱۳۹۷)، «بحران معنویت در جهان معاصر»، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۷۴، ش اول.
۵۷. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۱۸ق)، فهرست اسماء مصنفی الشیعه المشتهر به رجال النجاشی، چ ششم، قم، جامعه مدرسین.
۵۸. نسفی، عزیزالدین (۱۳۷۱)، الانسان الكامل، تصحیح ماژیران موله، تهران، طهموری.

۵۹. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۸۸)، *لؤلؤ و مرجان*، تحقیق و بازنویس جابر رضوانی، قم،

بنی‌الزهر بیت‌السلام

۶۰. ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۸)، *ایران در یک قرن پیش: سفرنامه دکتر ویلز*، ترجمه غلامحسین

قراگوزلو، تهران، اقبال.